



دانشگاه محقق اردبیلی

باستان نامه

ماهنامه علمی تخصصی دانشگاه محقق اردبیلی

شماره اول، اسفند ۹۷



فهرست مطالب:

باستان‌شناسی زیر آب دریایی ۲

گزارشی کوتاه از کاوش باستان‌شناختی

محوطه باستانی قیزیل‌قیه ۱۱

زندگی نامه دکتر عزت‌الله نگهبان، پدر

باستان‌شناسی ایران ۱۷

معرفی محوطه‌های استان ۱۹

تیترا ۲۱

مصاحبه ۲

معرفی کتاب ۲

عنوان:

باستان‌نامه

زمینه انتشار:

علمی - تخصصی

صاحب امتیاز:

انجمن علمی باستان‌شناسی

شماره اول، سال اول، اسفند ماه ۹۷

مدیر مسئول:

مژگان اکبری

سر‌دبیر:

متین‌ه رستمی‌پور

هیأت تحریریه:

اناهیتا جمشیدی

نادر جمشیدی

محمد نصیرزاده

مژگان اکبری

صدف ودودی

طراح و صفحه‌آرا:

رضا رسول‌زاده

صفحه تلگرام و اینستاگرام انجمن علمی باستان‌شناسی دانشگاه محقق‌اردبیلی با هدف معرفی آثار و تاریخچه آنها اطلاع‌رسانی برنامه‌ها، گزارش‌تصویری از برنامه‌های اجرا شده، ارتباط با انجمن‌های علمی سایر دانشگاهها و تعامل هرچه بهتر با مخاطبان ایجاد شده.

آدرس صفحه:

https://t.me/uma_Archaeology

https://www.instagram.com/uma_archaeology

بنام خداوند دانایی

با عرض سلام و آرزوی توفیق و سربلندی خدمت تمام دوستان، اولین شماره ماهنامه باستان نامه با هدف ارائه مجموعه فعالیت‌های عمدتاً دانشجویی در حوزه‌های مختلف باستان شناسی منتشر می‌شود، تا محیط مناسبی برای شکوفایی اندیشه و تفکرات جدید در پیرامون باستان شناسی باشد، ما بر آن هستیم تا با استفاده از پتانسیل‌های عظیم و ارتباط مستمر با محققین و دانشجویان و دریافت مقالات علمی و نظرات ایشان، امکان فضایی مناسب و با کیفیت را برای انتشار ماهنامه فراهم آوریم. یکی از حسن‌های غیر قابل انکار انتشار باستان نامه، امکان ارائه رویکردها و تحولات اخیر در زمینه باستان شناسی است..

لازم است با توجه به اینکه کلید شروع این شماره حداکثر یک ماه پیش زده شده و در فرصت بسیار اندک نیاز به تلاش مضاعف بوده، از تمامی اعضای تلاشگر هیئت تحریریه و بزرگواران و علم دوستان محترم که ما را در تهیه این شماره از ماهنامه یاری نمودند، قدردانی کرده و برای همه آنان از خداوند متعال، سلامتی و توفیق روز افزون در عرصه علم و دانش آرزو می‌کنم و از کلیه دانشجویان گرامی، خوانندگان و صاحب نظران اندیشمند تقاضا می‌شود با راهنمایی مشفقانه خویش ما را در ادامه مسیر یاری نمایند

باستان‌شناسی زیر آب دریایی

(وردین ۲۸، ۱۳۸۸ انی کاظمی، دیدگاه)

باستان‌شناسی زیر آب یا به تعبیری دیگر، باستان‌شناسی دریایی «هیپو آرکئولوژی» نسبت به باستان‌شناسی خاکی، دانشی نسبتاً جوان است. تاریخچه باستان‌شناسی زیر آب در شکل علمی خود در اروپا به سال ۱۸۰۲ میلادی بازمی‌گردد، یعنی زمانی که غواصان یونانی از خرده‌ریزهای آب آورده‌ناو «منتور» نزدیکی‌های جزیره «آنتی سیترا» صندوقچه‌های محتوی پارچه‌های پرهای «پارتنون» را از آب بیرون آوردند.

اهتمام، ایرانیان نسبت به این رشته از دانش اندکی دیر، یعنی در سال ۱۳۷۷ شمسی صورت گرفت. این کار، گرچه مستلزم ابزارهای دقیق و پیشرفته، دانش فنی و هزینه‌های بسیار است، اما کاری بایسته و دقیق است که می‌تواند بسیاری از گوشه‌های ناروشن تاریخ ما را روشن کند.

در جستار حاضر، نویسنده ضمن تعریف اصطلاح باستان‌شناسی و سرگذشت دانش جدید باستان‌شناسی زیر آب، با ذکر تاریخچه‌ای از دریانوردی و نیز جنگ‌های دریایی ایرانیان در ادوار مختلف تاریخ و ارایه نمونه‌هایی از یافته‌ها و کشفیات مهم باستان‌شناسان دریایی، اهمیت و لزوم گسترش این دانش جدید را در کشورمان مورد تأکید قرار داده است.

باستان‌شناسی در سطح خشکی به دلیل سهولت کار، ابزار ساده، سهولت رفت و آمد، هزینه کم و مشاهده مستقیم نمونه‌های مختلف، پیشرفت قابل چشمگیری داشته است. لیکن باستان‌شناسی زیر آب، بسیار پیچیده نیازمند ابزار پیشرفته است و هزینه سرسام‌آور علی‌رغم این‌که به صورت علمی، مراحل نخستین خویش را طی می‌کند، کاوش‌های آن، نکات تاریخی بسیاری را برهمگان معلوم ساخته است.

تا امروز، بزرگترین کشفیات مربوط به زندگی ملت‌ها و فرهنگ‌های باستانی، مرهون باستان‌شناسان سطح زمین (خشکی) بوده است. به عبارتی می‌توان گفت: باستان‌شناسی زیر آب، مکمل باستان‌شناسی خشکی بوده، که سعی دارد همگام با باستان‌شناسی روی زمین، آثار مدفون از اعماق دریاها، اقیانوس‌ها، خلیج و کانال‌ها، را کشف نماید. انسان امروز در ادامه پیروزی جهان زیر دریایی خود، هر سال شاهد کشف آثار تازه شهرها، روستا و قصبه‌ها، دهکده‌ها، کشتی و ناوهای غرق شده، اجساد و اشیاء ارزشمندی است که بررسی‌های علمی انجام گرفته، توانسته نقش مهمی را در تکمیل پروژه‌های باستان‌شناسی روی خشکی فراهم آورد. باستان‌شناسی آبی را که مترادف باستان‌شناسی دریایی است، «هیپو آرکئولوژی» نامیده‌اند.

تعریف علم باستان شناسی

باستانشناسی را تعاریف متعددی است. معنی تحت‌اللفظی آن دو واژه باستان. یعنی قدیمی و کهن و شناسی یعنی شناخت و شناختن.

باستانشناسی از نظر خانم کنتور آمریکایی، علم پی بردن به گذشته بشر، با مطالعه آثار به جای مانده است. باستانشناسی می‌کوشد تا تاریکی‌های تاریخ تمدن بشر را بر ما معلوم سازد. باستانشناسی سرچشمه تاریخ است و داده‌های آن در جای خود، به عنوان اسناد تاریخی محسوب می‌گردند. داده‌هایش، همان دگرگونی‌هایی است که بر اثر اعمال انسانی در جهان مادی روی می‌دهد، یا به عبارتی ثمرات رفتار انسانی است که به صفت سنگواره درآمده است. واژه لاتینی آن از دو کلمه «Arco» به معنی قدیمی و «Logie» یعنی شناخت، گرفته شده است. تاریخ از ریشه یونانی هیستوریا، به معنی تحقیق از روایات و حکایات گرفته شده است ولی باستانشناسی، تحقیق و کاوش در زندگی، فرهنگ، تاریخ اقوام و ملل گذشته است. علم باستان شناسی (Archaeologie) در کنار سکه‌شناسی، خطوط باستانی، کتیبه بررسی مهرها، مستندات، سالنامه و سنگ قبور و دیگر آثار، توانسته ابهامات بسیاری از تاریخ قرون کهن را از میان بردارد.

تاریخچه باستانشناسی زیر آب در ایران

آب مایعی است که بقای حیات بشر و موجودات پیرامون او بدون آن، امکان‌پذیر نبوده، و از روزگاران کهن، ایرانیان جهت استفاده بهینه سعی در مهار آن داشته‌اند.

در تاریخ اسطوره‌ای ایران اشاره شده که منوچهر، پادشاه ایرانیان در ۳۴۰۰ سال پیش دستور داد تا «کاریز» را به برزگران بیاموزند. در تاریخ آمده است که کوروش بزرگ پس از فتح سرزمین سوریه در آسیای صغیر به بابل که همچون دژی مستحکم بود، حمله کرد و دیده‌بانان بابلی، سپاه ایران را در حال حفر کانالی دیدند و به آنها ریشخند زدند، تا اینکه سپاه به انحراف آب رودخانه و پایین افتادن سطح آب فرات از رود عبور کردند و وارد بابل شدند. پس از وی، پسرش کمبوجیه به فکر حفر کانال سوئز افتاد، که به دلایل نابسامانی کشور و اوضاع سیاسی، مجبور به ترک سرزمین مصر شد تا اینکه «داریوش» کانال را حفر کرد و دریای سرخ و رود باستانی «نیل» را به هم پیوند داد. و بدین طریق، کشتی‌های جنگی از دریای مدیترانه وارد سرزمین باستانی «مصر» شدند. خشایارشا؛ پسر داریوش در ۴۸۰ پ.م با سپاهی بزرگ از کشتی‌های جنگی، به یونان یورش برد.

مکلوتی (۱۹۸۴م). اظهار می‌دارد: ایرانیان نخستین مردمانی بودند که با ساختن چرخ آبی، آب رودخانه‌ها را به زمین‌های زراعی، جاری کردند.

پاسارگاد، بیانگر توانمندی دریای ایرانیان و فرمانروایی آنان بر هفت دریاست. این قوم با حضور در بنادر و سواحل آفریقا، مانند: زنگبار هندوستان، چین، دریای سیاه، و مدیترانه، فرهنگ و تمدن باستانی تاریخی ایران را در سراسر جهان شناساندند.

آرتیمس؛ نخستین زن دریانورد ایرانی است که در حدود ۲۴۸۰ سال پیش، فرمان دریاسالاری خویش را از خشایار شاه هخامنشی دریافت کرد.



در سال ۴۸۴ پ.م زمانی که فرمان بسیج دریایی برای شرکت در جنگ با یونان از سوی خشایار شاه صادر گردید، وی یکی از فرمانروایان سرزمین کاریه بود، که با ۵ فروند کشتی جنگی خود، به نیروی دریایی ایران ملحق شد. در این نبرد که ایرانیان فاتح این جنگ بودند، ۱۲۰۰ کشتی جنگی و ۳ هزار کشتی حمل و نقل را هدایت می کردند. «آرتیمس» در نبرد سالامین، از خود رشادت‌ها نشان داد و خشایار شاه نشان دریاسالاری را به وی اهداء کرد. نبردهای تاریخی که در پهنه اقیانوس‌ها و دریاها صورت گرفته، باعث پدید آمدن دانش باستانشناسی زیر آب شده است.

غواصی یا «ژرفروی» در ایران، سابقه‌ای کهن دارد. خشایار شاه از این روش، برای بیرون کشیدن صندوقچه‌های طلا و جواهرات کشتی‌های غرق شده استفاده می کرد.

اپولونیوس فیلسوف یونانی ساکن رود «دز» اشاره دارد که غواصان دریای پارس درحالی که ظرف کوچکی حاوی گیاهی خوشبو و تهیج کننده در دست داشتند در اعماق آب‌ها باعث می شدند صدف‌های دریایی «لب باز کرده، و با شاخه‌ای میان تهی، صدف را بیرون می کشیدند. براساس یافته‌ها و مدارک باستانشناختی، کهن ترین سند دریانوردی ایرانیان، «مهری» است که در چقامین خوزستان به دست آمده است. تاریخ تمدن این ناحیه به شش هزار سال «پم» می رسد. این مهر گلین، یک کشتی را با سرنشینان نشان می دهد. در این کشتی، یک سردار سرفراز ایرانی بازگشته از جنگ نشسته و در کنار او اسیران زانو زده دیده می شوند. در این اثر گلی، یک گاو نر و یک پرچم هلالی شکل هم، دیده می شود. نقش برجسته‌های



خلیج فارس که مورخان از جمله: هرودوت، نئارخوس، استرابون، کورسیوس، و جغرافیدانانی چون: مستوفی، ابن حوقل، مسعودی، و حتی ناصر خسرو و ... در نوشته‌های خود از آن، به نام خلیج فارس یا دریای پارسی یاد کرده‌اند، از هزاره هشتم ق.م یکی دیگر از مناطق مورد توجه باستانشناسان، نواحی سیراف در جنوب ایران است. این بندر باستانی در شهر کنگان، یکی از زیباترین و ثروتمندترین بنادر جهان در عصر ساسانی بوده است. براساس نوشته‌های مورخین سیراف، بندری با ۳۰۰ هزار نفر جمعیت در حاشیه خلیج فارس قرار داشته که شاهد تردد کشتی‌های بزرگ از ژاپن، چین، سوماترا، مالزی، اندونزی، هندوستان و آفریقای شرقی بوده است. این منطقه در زلزله مهیب سال ۹۷۶ م. ویران شد.



علم باستانشناسی زیر آب، با این که نوپاست، اما توانسته خدماتی شگرف به تاریخ و تمدن بشری نماید. شاید ارزشمندترین حاصل این کار، کشف کتیبه‌ای است که در کانال سوئز از داریوش هخامنشی به دست آمد و بیانگر حاکمیت مطلق نیروی دریایی ایران در روزگار کهن بر دریای پارس است.

در یک پروژه مشترک، باستانشناسان، کانادایی-یونانی، برای کشف بقایای ناوگان جنگی ایرانیان در یک طوفان شدید به سال ۴۹۲ ق.م در حوالی یونان، کار خود را آغاز کردند، که در حین کاوش، چندین کلاهخود و سرنیزه، نزدیک کوه آتش در شمال شرقی یونان کشف کردند. کاترینا؛ کارشناس یونانی با همکاری دکتر واشمن، هدایت این پروژه را در دست داشتند. هرودوت، علت غرق شدن کشتی ایرانی را، برخورد با کوه «آتوس» دانسته است. در کشفیات سال ۱۹۹۹ م. در حوالی این کوه، دو کلاهخود متعلق به عصر یونان باستان توسط ماهیگیران از آب بیرون کشیده شد.

هولفدر می‌گوید: باستانشناسی زیر آب و باستانشناسان همواره امید به پیدا کردن یک کشتی جنگی دارند.

یونانی‌ها مدت‌هاست که در پی کشف کشتی‌های عصر هخامنشی می‌گردند، چینی‌ها نیز، به دنبال کشتی‌های گمشده‌ای هستند که براساس شواهد و مدارک تاریخی، در روزگاران دور، برای تجارت کالا به ایران از راه دریا آمده‌اند. و دیگر بازنگشته‌اند.

عیلامی، هخامنشی، سلوکی، پارتی و ساسانی از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. کشف آثار عیلامی در منطقه «ریشهر»، نفوذ عیلامی‌ها در این منطقه او نیز وجود بنداری از دوران هخامنشی، چون: دیلمون، آویستانه، هرمزی ... بیانگر استفاده از این بندار طی ادوار تاریخی است.

ارتباط خطوط دریایی ایران، سند، دریای احمر، حفر کانال سوئز، گام‌های مهم عصر هخامنشی در توسعه راههای دریایی روزگاران باستان به حساب می‌آید. در عصر ساسانی، تلاش گسترده‌ای جهت ایجاد بندار، به منظور توسعه و گسترش مراودات بازرگانی و تجاری صورت گرفت که در کارنامه اردشیر بابکان نیز بدانها اشاره رفته است. هخامنشی‌ها علاوه بر استفاده از آبراهها، حدود ۶۰ سد در ایران احداث کردند، که بیانگر اهمیت

ترانزیت دریایی و گسترش صنعت دریانوردی در این عصر است. برازجان از جمله مناطق مهم دیگری است که می‌تواند کانون توجه باستانشناسان دریایی زیر آب قرار گیرد. حفريات این منطقه، بخصوص آثار مکشوفه در «براک سیاه» و برازجان متعلق به عصر هخامنشی است.

کاوش‌های باستانشناسی هیات مشترک ایرانی و لهستانی در تنگه بلاغی، که در فاصله ۴ کیلومتری محوطه جهانی پاسارگاد - در خلیج فارس جای گرفته یکی دیگر از آثار این دوره است. این تنگه به عنوان مهمترین راه باستانی ایران عصر هخامنشی شناخته شده است.

کاپیتان امپرتون از نیروی دریایی هندوستان، اولین شخصی است که ویرانه‌های سیراف در سال ۱۸۵۳ م. را کشف کرد و سپس دکتر وایت هوس، از سوی انستیتو مطالعات ایرانشناسی انگلیس در سال ۱۹۶۶ م. آن را بررسی و در سال ۱۹۷۴ م. هیاتی مشترک از ایران و انگلیس ۹ منطقه (سیراف) را مورد کاوش قرار دادند.



اصطخری در قرن دهم و جغرافیدانان دیگر، از سیراف یاد کرده‌اند. تاریخ، نمونه‌های بسیاری از شهرهای بزرگ را که به زیر آب فرو رفته‌اند به یاد دارد. در هفتم ژوئن ۱۶۹۲ م. در ۹۰ درصد بندر رویال جاماییکا، - یکی از مراکز بزرگ بازرگانی - فرو نشست. یک هیات آمریکایی در سال ۱۹۷۸ م. از سوی دانشگاه ای-اند-ام، کار کشف آن را شروع کرد. منطقه دریایی دماغه ترافالگر اسپانیا نیز از این گونه‌اند. یک جنگ دریایی هزاران کشته به جای گذاشت و ۴۴۹ سرباز انگلیسی و ۴۴۰۸ سرباز اسپانیایی و فرانسوی نابود شدند.

قلعه زاير خرفران اهرمی در بوشهر، دیگر مناطق جالب توجه حفاری زیر آب است، که در دوران

ممکن است.

یکی از دلایل توجه به دریانوردی استفاده از آن در مرادفات بازرگانی و تجاری بود، این امر از دیرباز بشر را متوجه این مهم ساخت که تمدن‌ها برای حیات و دوام، ناگزیر به برقراری رابطه تجاری‌اند. اعراب نواحی جنوب عربستان، مثل: حضر موت- یمن، صنعا و مأرب از روزگاران کهن، از راه دریا با ایران و هند ارتباط بازرگانی داشتند. بررسی آثار زیردریایی به‌منظور کشف قدیمی‌ترین اسناد ادوار گذشته. تاریخ جنگها و علل پیروزی و شکست اقوام و ملل را بر همگان آشکار خواهد کرد. نخستین جنگ ایران و یونان در سال ۴۹۲ق.م به فرماندهی داماد داریوش شروع شد.

در این جنگ ایرانیان گرفتار توفان شدید شدند و حدود ۲۰ هزار تن از سپاه خود را ازدست دادند. در سال ۴۹۰ ق.م نیز نیروهای دریایی ایران با ۶۰۰ کشتی که اغلب متعلق به فینیقیان بود به‌همراه یکصد هزار سرباز، راه یونان را پیش گرفتند. (۱) فرماندهی سپاه ایرانیان را «آرتافرن» و فرماندهی آتنی‌ها را «اریستید» و «همیتوکل» به‌عهده داشتند. ایرانی‌ها در جلگه ماراتن پیاده شدند و علی‌رغم درهم‌کوبیدن سپاه یونان، به‌دلیل شکست در برخی جناحین، مجبور به عقب‌نشینی شدند.

نبرد پلاته در سال ۴۸۰ ق.م بین سپاهان ایران و یونان، از سارد شروع شد. ایرانیان پس از عبور از هلسپونت، تراس و مقدونیه به حوالی تسالی رسیدند. سپاه ۰۱ هزار نفری (۲) یونانیان در تنگه

پیدا شدن خمره شکسته و یک خمره سالم تویی تو (پایه‌های نوک تیز و دهانه باز) متعلق به عصر پارسی در دومین دوره کاوش‌های باستانی زیرآب در بندر ریگ بوشهر از جمله مناطق قابل توجه باستانشناسان است. در این حفاری، علاوه بر خمره‌ها، یک لنگر سنگی و کلاهخود فلزی نیز به‌دست آمده است.



ایرانیان از دیرباز علاوه بر گسترش صنعت دریانوردی، بسیاری از ابزارهای آن‌را نیز اختراع کردند. ابزارهایی چون: قطب‌نما، سکان یا سوکان کشتی، ژرفنایاب (عمق‌یاب که به سندباد ناخدای پراوازه ایرانی نسبت داده شده است)، مسافت‌یاب، رهنامه‌ها- که بدون آن کار دریانوردی با مشکل روبرو بود. پیل الکتریکی، نقشه‌برداری- تراز (تئودولیت)، خشاب (چراغ دریایی)، پزشکی دریایی و نیز ستاره‌شناسی. امروزه کار باستانشناسی در دریا، با استفاده از (ساید-اسکن سونا) دستگاه یابنده زیردریایی با کمک امواج صوتی و (ساب- باتوم پروفایلر) نموداربردار زیرزمین در سطح دریا، (مگنومتر) دستگاه یابنده با امواج مغناطیسی و ...

تمدن‌های قرون و اعصار کهن معرفی می‌نمایند، که در بسترهای مساعد جغرافیایی تکوین یافته‌اند. بررسی راه‌های دریایی که زمینه مبادلات تجاری، و ارتباطات بین اقوام را فراهم ساخته، مشخص کردن اشتراکات قومی - فرهنگی اقوام ساکن سرزمین‌ها و قبایل، نحوه برخورد اقوام و فرهنگ‌های جهانی عصر گذشته را نیز بر ما معلوم می‌دارند دولت مقتدر ایلام که بر پهنه رود کارون شکل گرفت، اولین دولتی است که از هزاره چهارم قبل از میلاد وارد عرصه تجارت بین‌المللی گردید. از زمان شروع این امپراتوری، لیان (بوشهر فعلی) از نواحی مهم - در استان جنوب ساحلی از بندر دیلم تا سیراف، شد. بابل، مرکز میان رودان، از پایانه‌های مهم ارتباطات هخامنشیان شد.



اکباتان (همدان امروزی) واسط میان راه‌های شرق و غرب و شمال، قلمرو فرهنگی ایران شد. با به قدرت رسیدن سلوکیان، اکتشافات جغرافیایی در دریای خزر به منظور شناخت ارتباط این دریا با اقیانوس هند، انجام گرفت. سلوکوس چهارم، سفیری را به هند نزد «چندره گوتیا» فرستاد. این سفیر که مورخ و جغرافیدان بود، مگاستن^۱

«ترموبیل» موضع گرفته بودند تا مانع از ورود سپاه ایران شوند. برتری مطلق نیروهای ایران در این جنگ سبب شکست یونانیان و مرگ لئونیداس؛ شاه اسپارت گردید.

حتی ناپلئون در یادداشت‌های سال‌های آخر عمر خود در جزیره «سنت هلن» می‌نویسد: درباره جزییات پیروزی پرهیاهوی یونانیان نباید فراموش کرد که اینها گفته‌های یونانیان است. آنان مردمی لاف‌زن و گزافه‌گو بوده‌اند. و هیچ تاریخ ایرانی تاکنون نوشته نشده، که منصفانه قضاوت کنیم.

این گفته، بسیار تأمل برانگیز است که احمد حامی در کتاب «سفرهای دروغین اسکندر»، بارها بدان اشاره کرده است. کاوش‌های باستانی زیردریایی، در دریای خزر، شط‌العرب - بین‌النهرین (دجله - فرات)، مصب سند، رودخانه Oxus، رود آراکس (ارس) دریای اژه، تنگه داردانل (هلس پونت)، رودخانه گرانیک Granikos، زاب کوچک، دیاله، کارون، و ... می‌تواند آثار به‌جای مانده از جنگ‌های تاریخی را بر ما معلوم گرداند.

بی‌شک، رودها و دریاها در شکل‌گیری تمدن‌های باشکوه عصر باستان، نقش انکارناپذیری داشته‌اند. برخی در سیر تحول تمدن‌های باستانی، میانرودان (بین‌النهرین) همان دجله و فرات، قسمت‌های شمالی رود جیحون و سیحون (فرارودان)، رود نیل در مصر باستان، رودخانه زرد، دریای مدیترانه، دریا‌های سرخ، اژه، سیاه و «خزر» را به‌عنوان مشکل

هجری، سفرهای اکتشافی بسیاری را به سمت مشرق‌زمین انجام داد، که در کتاب «عجایب‌الهند» شرح مبسوطی از آن، آمده است. دریانورد معاصر او، ابهره کرمانی نیز، در روزگار خود هفت سفر دریایی به سوی چین و شرق دور داشت.

«سلیمان سیرافی» و «مهران وهب سیرافی» از دریانوردان ایرانی سده سوم و چهارم بودند که سفرهایی به چین و هند داشتند.

سهل‌بن آبان؛ دریانورد ایرانی سده ششم هجری، علاوه بر هند و شرق دور، به آفریقا نیز سفر کرد.

سلیمان مهری؛ دریانورد سده نهم هجری، یکی دیگر از دریانوردان این عصر به‌شمار می‌آید ایرانیان بی‌گمان نقش اساسی در گسترش صنعت دریانوردی داشتند. علاوه بر آن، اختراع ابزار دریایی، ساخت پل و سد و آب‌بندها، سه نوع آسیاب آبی به‌نام «تنوره»، یا آسیاب نورس (آسیاب پره) با محور عمودی، آسیاب چرخی که رومیان از آن به‌نام «ویتروبان» یاد می‌کردند و مخترع آن «مهرداد» نامی‌بوده است، و آسیاب شناور با پره‌های بزرگ با پاروهای دورانی از هنر این قوم بزرگ باستان است. ساخت دستگاه پالایش آب چغازنبیل، قدیمی‌ترین دستگاه پالایش آب در جهان است.

یونانی‌ها عادت به دروغ‌پردازی در تعداد لشکریان ایران دارند. جالب است شکست خود را مدیون سپاه کم (به‌ظاهر) می‌دانند (بسی گزافه‌گویی می‌نمایند)

megasthen نام داشت. و کتاب‌هایی درباره هند به نام «ایندیکا» به رشته تحریر درآورد. در این دوره توسعه شهرسازی در فاصله سوریه و میانرودان، بیش از سایر نواحی انجام گرفت. در کنار خلیج‌فارس چندین بندر و شهر تازه ایجاد شد. «اشکانیان» با رهایی از فرهنگ «هلنی» توانستند با گسترش جاده ابریشم دادو ستد اقتصادی و پررونقی را به‌وجود آورند. به‌گونه‌ای که، ایران اشکانی در این دوره، مرکز متخصصان بازرگانی و تشکیلات دریانوردی برای حمل و نقل دریایی گردید، به طوری که عوارض راهداری، درآمد هنگفتی را برای آنان، فراهم ساخت.

ساسانیان، وارث ایران اشکانی شدند. کالاهایشان تا آن سوی چین، ژاپن و سراسر اروپا راه یافت. ساسانیان، بر راه‌های دریایی تسلط یافتند. نیروی دریایی قدرتمند و فعال تجاری آنها در خطوط دریایی، با قدرت امپراتوری «رم» در دریا‌های شرق مقابله می‌کرد. آنها نفوذ خود را از چین تا اقیانوس اطلس گسترش دادند. نفوذ کیش مهرپرستی در زمان دیولکسین (۳۰۷م) در آفریقا، شمال اسپانیا-فرانسه و انگلستان، ناشی از حضور ایران از راه دریا به سرزمین‌های دوردست است. دانشمند ایرانی ابوحاتم اسماعیل اسنفراری خراسانی، (در سده پنجم هجری) برای اولین بار در جهان، پدیده‌های جوی و هواشناسی را در کتاب «meteology» گردآوری کرد. ناو خدای بزرگ بن شهریار رامهرمزی؛ دریانورد بزرگ ایرانی در سده چهارم

منابع:

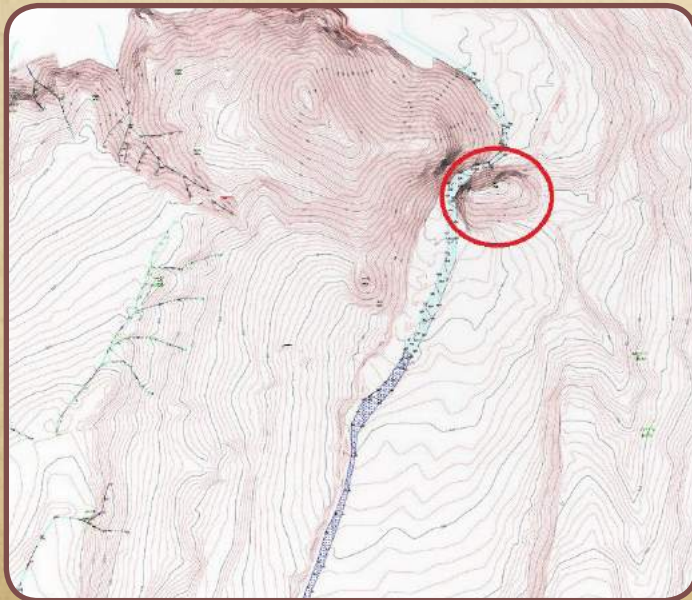
- ۱- ملک شه میرزادی، دکتر صادف، ایران در پیش از تاریخ، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، ج اول، ۱۳۷۸
- ۲- معصومی، غلامرضا. تاریخچه علم باستانشناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، (سمت)، تهران، ۱۳۸۳
- ۳- چایلد، گوردن، درآمدی کوتاه بر باستانشناسی، ترجمه: هایده معیری، چاپ موءسسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج اول، ۱۳۶۸
- ۴- ممتحن دکتر حسینعلی، کلیات تاریخ عمومی، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰
- ۵- حافظنیا، محمدرضا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز.
- ۶- مجتهدزاده، پیروز، خلیج فارس کشورها و مرزها، انتشارات عطایی، ۱۳۷۹
- ۷- الکساندر کوندرا توف. اسرار سه اقیانوس، ترجمه: دکتر قریب، نشر آفتاب، ج اول، ۱۳۶۲
- ۸- فرشاد مهدی، تاریخ مهندسی در ایران، انتشارات بنیاد نیشابور، ج اول، ۱۳۶۲
- ۹- مظفر شاهی، گذری بر پیشینه تاریخی نام خلیج فارس، موءسسسه مطالعات معاصر ایران.
- ۱۰- نبی پور ایرج، بندر سیراف، مجله بندر و دریا، شماره ۱۷، ۱۳۶۷
- ۱۱- سپهری جعفر، آب شناسی دانش هیدرولوژی در ایران باستان.

گزارشی کوتاه از کاوش باستان‌شناختی محوطه باستانی قیزیل‌قیه

سرپرست کاوش: دکتر رضا رضالو - دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

درآمد

استان اردبیل به لحاظ مطالعات باستان‌شناختی، یکی از مناطقی است که در آن نیاز مبرمی به انجام کاوش‌های علمی باستان‌شناسی دیده می‌شود. در بسیاری از دوره‌های پیش از تاریخی و تاریخی این حوزه که اغلب به عنوان حوزه شرقی شمال‌غرب معرفی می‌گردد، مجهولات بسیاری وجود دارد که برای روشن نمودن آنها، نیاز است که در کنار مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی‌ها و کاوش‌های علمی میدانی نیز صورت پذیرد. اگرچه، برخی از کاوش‌های صورت گرفته در این حوزه در گذشته به صورت پروژه نجات بخشی بوده‌اند و ممکن است چنین کاوش‌هایی در آینده نیز ادامه پیدا کند، با این حال، همین کاوش‌های نجات بخشی نیز به بسیاری از پرسش‌ها و مجهولات پیش روی ما پاسخ داده‌اند. کاوش محوطه باستان قیزیل‌قیه نیز از چنین امر مثنی نیست. کاوش در این محوطه، به دانش ما در مورد دوره تاریخی اشکانی در شمال‌غرب ایران و ویژگی اسقرارهای این دوره در این منطقه افزوده است.



تصویر ۱- موقعیت و نقشه توپوگرافی محوطه باستانی قیزیل‌قیه

محوطه باستانی قیزیل قیه، که براساس آثار سطحی و یافته‌های کاوش متعلق به دوره اشکانی است، به فاصله ۱۷ کیلومتری غرب مشگین‌شهر و ۲/۴ کیلومتری شمال روستای احمدبیگلو و در مختصات طول جغرافیایی $47^{\circ}33'37.76''$ E و عرض جغرافیایی $38^{\circ}26'6.76''$ N قرار گرفته است. این محوطه در کرانه شرقی رود مشگین‌چایی و بر بالای یک کوه کم ارتفاع قرار گرفته است. رود مشگین‌چایی از دو جهت یعنی غرب و شمال، این کوه را در بر گرفته است. این کوه کم ارتفاع را مردمان روستا با نام قیزیل‌قیه می‌نامند و این به دلیل رنگ سنگ‌های آهکی آن می‌باشد، که در طیف رنگی قهوه‌ای روشن تا کرم هستند. این تپه همچون دیگر کوه‌ها و ارتفاعات پیرامون دامنه سیلان، در اثر فعالیت‌های آتشفشانی ایجاد شده است. رأس کوه متشکل از یک توده سنگی از سنگ‌های آذرین، بصورت یکپارچه است. ارتفاع نوک قلّه این تپه از سطح دریاهاى آزاد ۹۷۶ متر و از بستر رود مشگین‌چایی در پای کوه ۲۴ متر می‌باشد. کاوش‌های باستان‌شناسی در این محوطه با مجوز پژوهشکده باستان‌شناسی از تاریخ ۱۳۹۶/۷/۲۵ آغاز شده و به مدت دو ماه تا تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۵ انجام گرفته است.



تصویر ۲- نمایی از محوطه باستانی قیزیل‌قیه

شرح کاوش

پروسهی کاوش این محوطه بواسطه آثار سطحی بر جای مانده از معماری برج و باروهای آن آغاز گردید. برای دریافت بیشترین اطلاعات از هر کارگاه، ترانشه‌های کاوش در ابعاد بزرگ و در نقاط مختلف محوطه ایجاد گردید. بخشی از این کارگاه‌ها بر روی دیوارهای دفاعی و همچنین برج‌های قرار گرفته بر روی این دیوارها متمرکز گردید، برخی از آنها به فضای بین این دیوارها و سایر ترانشه‌ها به منظور دریافت اطلاعات از ساختارهای درونی، در مرتفع‌ترین بخش‌های محوطه و در موقعیت‌های متفاوت نسبت به هم ایجاد گردیدند. وسعت این ترانشه‌ها از ۲۵ مترمربع تا ۲۲۵ مترمربع در متغیر بوده است. البته برخی از این کارگاه‌ها به سبب دریافت اطلاعات بیشتر، به طرفین گسترش پیدا کردند.



تصویر ۳- بخشی از دیوار محوطه با سنگ‌های تراش خورده

کارگاهی که در راستای دیوارهای دفاعی محوطه ایجاد گردیدند، اطلاعات ارزشمندی از نحوه ساخت دیوار و کاربست انواع سنگ‌ها در آن به دست داد. در یکی از این کارگاه‌ها، دیوار بزرگی نمایان شد که در آن قطعات سنگ‌های آهکی تراش خورده به طول ۱۲۰ و به ارتفاع ۹۰ سانتی-متر به صورت خشکه‌چین و چیدمانی منظم را در میانه شیب دامنه جنوبی محوطه ایجاد کردند. با توجه به اینکه تنها نمای جنوبی این ساختار قابل تشخیص بوده، که به عنوان نمای بیرونی آن محسوب می‌شود و در بخش‌های شمالی، اجزای تشکیل دهنده آن قلوه‌سنگ‌هایی به ابعاد متوسط ۱۵*۲۵*۲۵ سانتی‌متر بوده که در نهایت از سمت شمال به بستر طبیعی محوطه در این بخش تکیه داده است. بستر طبیعی این بخش از محوطه شیبی در حدود ۱۵ درجه به سمت جنوب دارد. با توجه به شواهد موجود این ساختار را می‌توان به عنوان یک دیوار حائل شناخت تا یک دیوار دو نما یا حصار. به نظر می‌رسد کاربری دیوار حائل این لوکوس، به منظور ایجاد پشتیبانی به منظور تسطیح سطوح و تراس‌بندی سازه بزرگ بوده است.

در یکی از کارگاه‌های ایجاد شده بر روی یکی از دیوارهای اصلی محوطه، در هم‌جوار با فضای میانی دیوار خشت‌هایی با ابعاد ۱۵*۴۰*۴۰ و ۱۵*۴۲*۴۲ سانتی‌متر بدست آمد. به نظر می‌رسد علاوه بر سنگ‌های مختلف بکار رفته در ساخت دیوار دفاعی، از خشت نیز برای ساخت بخش‌هایی از این دیوار بهره برده‌اند. خود این خشت‌ها با استفاده از ملاتی به رنگ قهوه‌ای تیره به صورت منظم در کنار هم چیده شده‌اند. در یکی دیگر از کارگاه‌های ایجاد شده، نمای داخلی یکی از دیوارهای اصلی محوطه بدست آمد که این دیوار شامل چندین رج تخته سنگ و قطعه سنگ بود که با استفاده از ملات گلی ساخته شده بود. ارتفاع باقی مانده از این دیوار در حدود ۱۶۰ سانتی‌متر است.

به طور کلی در این محوطه چندین دیوار بزرگ تو در تو برای پوشش فضاهای داخلی محوطه ساخته شده است. قطر این دیوارها بزرگ بوده و از ۶/۵ تا ۸/۵ متر در متغیر بوده است. به علت استقرار دوباره این محوطه در دوره اسلامی، بخش‌هایی از دیوارهای اصلی و ساختارهای داخلی مورد تخریب و در برخی موارد الحاقاتی در جوار یا بر روی آنها ایجاد شده است. در ساختارهای داخلی بناهای متأخرتر بسیاری از ساختارهای اشکانی محوطه را برش داده‌اند به گونه‌ای که در برخی موارد مصالح دوره‌های قدیمی‌تر در ساخت ساختارهای دوره اسلامی دوباره مورد استفاده قرار گرفته‌اند.



تصویر ۴- نمونه‌ای از خشت‌های بکار رفته در ساختارهای داخلی



تصویر ۵- نمای داخلی یکی از دیوارهای اصلی محوطه

از دیگر موارد بدست آمده در کاوش کارگاهی که در بخش‌های داخلی محوطه ایجاد شده‌اند، اجاق‌ها، تنورها، خاکستردان‌های چاله‌ای در کنار تنورها، زباله‌دانی‌ها، سیلوهای نگهداری مواد که در آنها بقایای مواد گیاهی بدست آمده، می‌باشد. بسیاری از این چاله‌ها به صورت ساده و بدون هیچ ساختاری در کف فضاهای معماری این محوطه کنده شده و از آنها به منظورهای مختلف استفاده نموده‌اند. بقایای سفید رنگ مواد گیاهی در بسیاری از این سیلوها بدست آمد.



تصویر ۶- نمونه‌ای از سیلوه‌های نگهداری مواد

در برخی از لایه‌های کاوش شده در برخی از کارگاه‌ها، بقایایی از کف‌های گچی و همچنین در یک نمونه بقایایی از یک گچبری که فقط بخش کوچکی از آن برجای مانده بود، بدست آمد. این موضوع نشانگر استفاده از مصالح گچ در ساخت ساختارهای پارتی این محوطه است و از این لحاظ می‌توان این محوطه را با بسیاری از محوطه‌های اشکانی کاوش شده در ایران و مناطق همجوار مورد مقایسه قرار داد.

به طور کلی، این محوطه را می‌توان به عنوان یکی از کلیدی‌ترین محوطه‌های اشکانی ایران به شمار آورد. وجود چنین محوطه‌ای در این حوزه از شمال غرب را باید در ارتباط با حوادث تاریخی دوره اشکانی در سده‌های اول و دوم ق.م به شمار آورد. با اوج گرفتن درگیری‌های نظامی ایران و روم و همچنین تسلط به منطقه استراتژیک ارمنستان، به نظر می‌رسد که استقرارهایی به صورت قلعه‌ای و در فواصل منظم در بخش‌های کوهستانی شمال غرب بوجود آمده است. وظیفه این ایستگاه‌های دفاعی به طور واضح مشخص نیست، ولی آنچه که مشخص است نظارت و سازماندهی‌های دقیقی برای ایجاد چنین ساختارهایی وجود داشته است. ایجاد چنین ساختارهای تدافعی عظیم، بدون نظارت یک سازمان مرکزی پیشرفته امکان‌پذیر نیست.

زندگی نامه دکتر عزت الله نگهبان، پدر باستان شناسی ایران

زندگی و تحصیلات

عزت الله نگهبان، در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در اهواز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در دبستان جمشید جم و دبیرستان فیروز بهرام و مدرسه فنی آلمانی در تهران به پایان برد. او در سال ۱۳۲۸ در رشته باستان شناسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. در سال ۱۳۲۹، وارد مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو شد و در مدت چهار سال مدرک فوق لیسانس این دانشکده را از آن خود کرد. طی این سالها با راهنمایی رونالد مک کان به بررسی سیر سفال نخودی رنگ در منطقه خوزستان پرداخت و اطلاعات بسیاری در این زمینه جمع آوری کرد که حاصل آن را در نهایت در رساله خود تدوین کرد.

دوران تحصیلات وی در شیکاگو مصادف بود با اوضاع آشفته سیاسی دوران دکتر محمد مصدق که منجر به قطع کمک مالی به وی از ایران شد. بنابراین، او برای تأمین مخارج زندگانی مدتی به عکاسی از کودکان پرداخت. ایشان در ۱۳۴۵ ه. ش. دکترای افتخاری از دانشگاه تهران دریافت کردند.

بازگشت به ایران

پس از بازگشت از آمریکا در سال ۱۳۳۶ به سمت دانشیار رشته باستان شناسی، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران استخدام شد. در سال ۱۳۳۸ موفق به تاسیس موسسه باستان شناسی در دانشگاه تهران شد. نگهبان علاوه بر مشاغل دانشگاهی، به مشاغل دیگری نیز همچون معاون فنی اداره کل باستان شناسی، مشاور فنی وزارت فرهنگ ایران، مشاور عالی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و... منصوب گردید. او با اخذ دکترای افتخاری از دانشگاه تهران در ۱۳۴۵ ه. ش. به درجه استادی ارتقاء یافت. دکتر نگهبان در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد.

فعالیتها

دکتر نگهبان پس از بازنشستگی، به فیلادلفیای آمریکا رفت و به چاپ گزارش نهایی فعالیت‌های باستان شناختی خود مشغول شد. مدتی در بخش موزه دانشگاه پنسیلوانیا به کار پرداخت. او در طول حیات خود جوایز و نشان‌های متعددی دریافت کرد که از آن جمله می‌توان به بزرگ‌ترین جایزه فرهنگی باستان شناسی از سوی سازمان میراث فرهنگی در اردیبهشت ه. ش. ۱۳۷۷ به مناسبت افتتاح نمایشگاه گنجینه مارلیک در

موزه ملی ایران اشاره کرد. از کارهای ماندگار وی در زمینه باستان‌شناسی حفاری‌های وی در مارلیک و هفت تپه بود. نخستین کاوش‌هایی که او درباره تاریخ ایلام میانه انجام داد و نیز تحقیقاتش راجع به فرهنگ‌های هزاره اول شمال ایران (مارلیک) سبب ایجاد رشته جدیدی در تحقیقات باستان‌شناسی ایران شد. مهم‌ترین سهم وی در پیشبرد باستان‌شناسی ایران، ایجاد کارگاه دایمی در دشت قزوین برای فعالیت‌های باستان‌شناختی دانشگاه تهران و تربیت دانشجو در این کارگاه است. او با پشتکار فراوان و روحیه خستگی‌ناپذیر، موفق به کسب مجوز و بودجه لازم برای تعمیر کاروانسرای مخروطه محمدآباد خره شد. این مکان منحصر به فرد به کانونی برای پژوهش‌های مستمر و درازمدت باستان‌شناختی دانشگاه تهران تبدیل شد که در آن دانشجویان با شرکت در انواع فعالیت‌های میدانی برای پیشبرد اهداف باستان‌شناسی در ایران تربیت می‌شدند.

دکتر نگهبان، یکی از سرسخت‌ترین مدافعان منظم کردن فعالیت‌های مربوط به باستان‌شناسی بوده‌است. بسیاری او را دشمن بزرگ قاچاقچیان و دلالان عتیقه در ایران می‌دانند. نگهبان در پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران در سال ۱۳۴۷، مقاله‌ای ارائه داد و در آن ماده‌ای پیشنهاد کرد که بر اساس آن خرید و فروش اشیای باستانی به صورت غیرمجاز و از طریق قاچاق ممنوع اعلام شود و کنگره را ملزم به صدور قانونی در این زمینه کرد. وی با ارائه این مقاله، نقش اساسی در تصویب قطعنامه محکوم کردن قاچاق و فروش اشیای عتیقه داشت.

عزت‌الله نگهبان، بیشترین میزان طلا را در حفاری‌های باستان‌شناسی ایران بدست آورده‌است و کاوش‌های وی در قالب مقاله، گزارش و کتاب، همواره مورد توجه باستان‌شناسان بوده‌است. فعالیت‌های باستان‌شناسی دکتر نگهبان باعث شده‌است تا به وی لقب پدر باستان‌شناسی ایران داده شود.

مشاغل و سمت‌های او

- * استاد باستان‌شناسی دانشگاه تهران
- * مهندس حفار اصلی در تپه مارلیک در ۲-۱۹۶۱م. / ۴۰-۱۳۳۹ هـ.ش
- * مدیر گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (۱۳۵۶-۱۳۴۶)
- * موسس و رئیس موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران (۵۶-۱۳۳۶ هـ.ش)
- * رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (۵۷-۱۳۵۴)
- * مشاور فنی اداره باستان‌شناسی (۱۳۴۷)
- عزت‌الله نگهبان در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۸۷ که به بیماری آلزایمر و پارکینسون نیز مبتلا بود، در آمریکا درگذشت.

معرفی محوطه‌های استان

قوشا تپه

این محوطه در شرق آذربایجان و در حوضه آبریز رودخانه آرس در ۷۰ کیلومتری شمال غرب اردبیل، ۴۰ کیلومتری شمال شرق مشکین شهر در بخش شمال غربی محوطه باستانی شهریری و نیز در شمال غرب رودخانه قره سو که بعنوان یک عنصر دفاعی طبیعی و نیز قطب جاذب جمعیت برای محوطه به شمار می آید، واقع شده است. ابعاد شمالی جنوبی این محوطه ۸۰ متر و شرقی غربی آن ۱۱۴ متر و ارتفاع آن از زمین‌های اطراف ۵ متر و از سطح دریا‌های آزاد ۱۰۵۷ متر می‌باشد (نوبری و پورفرج، ۱۳۸۵:۲). این محوطه برای اولین بار در سال ۱۳۸۳ و طی بررسی‌های روشمند توسط هیئت باستان‌شناسی محوطه شهریری شناسایی و سپس طی دو فصل در سالهای ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ کاوش شد. دکتر هژبری نوبری کاوشگر محوطه معتقد است طی این کاوشها توانسته است دوره‌های نوسنگی، کلکولتیک و مراحلی از گذر به عصر مفرغ را بطور علمی و روشمند شناسایی نموده و گاهنگاری منطقه را تا حدودی از حالت ابهام بیرون آورد (همان: ۳)

بر اساس مطالعات صورت گرفته که عمدتاً بر پایه مقایسه سفال‌های این محوطه بوده است این محوطه را مینا و شالوده یک سنت جدید عصر نوسنگی در ناحیه کوهستانی شرق دور دریاچه ارومیه معرفی کرده‌اند که بیشترین تاثیر و اثر را از حوزه دریاچه ارومیه بویژه فرهنگ حاجی فیروز بر گرفته است (درخشی و دیگران، ۱۳۸۷:۲۳). اعتقاد کاوشگران محوطه بر این است که ادامه فرهنگ حاجی فیروز را میتوان در آغاز هزاره پنجم ق.م در قوشا تپه دنبال نمود. (درخشی و نوبری، ۱۳۸۸:۹)

سفال‌های این محوطه مربوط به دو دوره معرفی شده است. دوره اول سفال‌های خاکستری و آجری رنگ مربوط به عصر آهن که چرخساز بوده و دارای پختی مناسب هستند. تمپر آنها شن بوده و اکثراً متوسط و ظریف هستند و دارای سطحی صیقلی که به ندرت با نقش داغدار منقوش شده‌اند. سفال‌های دوره دوم که دست ساز هستند و خود به سه بخش تقسیم می‌شود. سفال‌های مرحله ۲ الف که بیش از ۹۲ درصد آن ساده و بدون نقش هستند. فرم سفال‌های این مرحله را بیشتر کاسه‌ها و خمرها تشکیل میدهد. تمامی سفال‌های مرحله ۲ ب دست ساز بوده که اکثراً دارای رنگ پوشش قرمز و آجری هستند. سفال‌های منقوش

عموما با رنگ سیاه منقوش گردیده و تمامی نقوش هندسی است. بیشترین سفال‌های این محوطه مربوط به این مرحله بوده و نقش مایه‌ها به شکل جناغی، مثلث‌های آویزان در زیر لبه، لوزی‌های بهم پیوسته، خطوط متقاطع و شطرنجی، ردیف خطوط مواج. ... می‌باشند. تمامی سفال‌های مرحله ۲ ج نیز دست ساز بوده و دارای آمیزه کاه و مخلوط کاه و شن می‌باشند. دارای پوشش گلی غلیظ عمدتاً به رنگ آجری و قرمز هستند. (نوبری و پورفرج، ۱۳۸۵).



آثار معماری جزئی از این محوطه گزارش گردیده که چندان قابل توجه نیست. ۲۱۶۰ قطعه مصنوعات سنگی که نیمی از آنها از جنس ابسیدین است به همراه بزک سابه‌های سنگی، مهره‌هایی از جنس سیلیس و مرمر و ... و ابزارهای استخوانی از دیگر یافته‌های این کاوش است (همان: ۱۴).

تپه بوینو

محوطه باستانی تپه بوینو با وسعت بیش از ۲۰۰ هکتار در حدفاصل روستاهای همدان و چنانقچی و در طرفین جاده مرزی اصلاندوز - جلفا (اسکانلو-جانانلو) و در حاشیه ساحل جنوبی رود ارس و در غرب پاسگاه مرزی شتربان واقع شده است. این محوطه در راستای شمالی - جنوبی و به ابعاد ۲۰۰۰×۱۰۰۰ متر از لبه پله دوم ساحل جنوبی رود ارس شروع شده و در جنوب به پیش کوههای شمالی کوهستان قره داغ می‌رسد. در راستای شرقی - غربی نیز محوطه از حد غربی کورگان‌های پاسگاه مرزی شتربان و روستای چنانقچی شروع شده و بعد از گذر از تیرپارک خداآفرین در غرب به روستای همدان (حیمدان) محدود می‌شود. گذر دو بستر خشک مسیل‌های قره داغ که به مصب ارس منتهی می‌شود در راستای شمالی - جنوبی و در شرق روستای همدان، محوطه را به سه قسمت نامساوی تقسیم کرده است. عبور جاده آسفالتی این محوطه باستانی را به دو قسمت شمالی - جنوبی تقسیم کرده است. قسمت شمالی که تا ساحل رود ارس امتداد یافته است.

* تپه بوینو از دو دوره فرهنگی شکل می‌گیرد که گسترش افقی داشته اند:

الف: استقرار عصر نوسنگی

ب: گورهای باستانی عصر آهن

بقایای استقرار دوره نوسنگی که در طرفین جاده آسفالتی قرار گرفته و البته لایه‌های فوقانی آن به دلیل زراعت و شخم‌زدن‌های مکرر کاملاً از بین رفته است. گورهای باستانی عصر آهن که اصالتاً کورگان‌هایی از عصر آهن میانه و با قدمت حدودی ۹۰۰ ق.م می‌باشند که احتمالاً به مهاجران سکایی یا اقوام دوره پیش از هخامنشیان تعلق دارند و در گستره وسیعی از این منطقه پراکنده شده‌اند و اکثریت مساحت ۲۰۰ هکتاری محوطه را به خود اختصاص داده است. در اولین فصل کاوش‌ها در این محوطه، ۶ گمانه آزمایشی که به ترتیب کاوش از ۱ الی ۶ نامگذاری شدند ایجاد گردید که گمانه‌های آزمایشی ۱، ۳ و ۴ مربوط به بخش استقرار عصر نوسنگی و گمانه‌های ۲، ۵ و ۶ مربوط به بخش عصر آهن می‌باشد (آچورلو ۱۳۸۷: ۱۶-۱۵). با توجه به کاوش‌های که انجام شده در این محوطه، حداکثر عمق لایه‌های فرهنگی شناسایی شده کمتر از ۲ متر می‌باشد که بدون هیچ گسستی تا پایان استقرار در این محوطه شاهد استمرار لایه‌های فرهنگی هستیم. تمامی لایه‌ها مربوط به یک دوره فرهنگی بوده و تغییر خاصی در محتوای داده‌های فرهنگی محوطه در لایه‌های فوقانی مشاهده نمی‌شود. سفال‌های تپه بوینو عمدتاً در فرم کاسه بوده و میتوان آنها را به کاسه‌های

قره داغ در جنوب منطقه مورد مطالعه بعنوان یک عامل طبیعی جداکننده دو منطقه فرهنگی و نیز عدم شناسایی و معرفی محوطه دیگری در حدفاصل تپه بوینو و دریاچه ارومیه و ویژگیها و سبک‌های خاص سفالی مربوط به دوره حاجی فیروز، داشتن ارتباط بین تپه بوینو و حوزه دریاچه ارومیه را سخت میتوان متصور دانست (علیزاده سولا، محمد: ۱۳۹۰).

همچنین اطراف محوطه تپه بوینو و رود ارس مملو از قطعات اسیدین است که قریب به اتفاق تمامی آن‌ها قابلیت لازم جهت ابزارسازی را دارند. عبارتی صریح تر باید گفت که سنگ اسیدین کافی جهت تولید ابزارهای مورد نیاز وجود دارد و این در حالی است که حتی یک قطعه ابزار اسیدینی قابل توجه و متمایز (از نظر اندازه و ابعاد) در میان مجموع داده‌ها تا کنون بدست نیامده است. گرچه با توجه به حجم پایین کاوش نمی‌توان بطور قطعی، داده‌ها و نمودارهای ارائه شده را تفسیر نمود و در نهایت به تمام محوطه تعمیم داد، اما اگر در همین محدوده کوچک نیز بخواهیم داده‌ها را تحلیل کنیم اولین نکته‌ای که براحتی قابل رویت و قابل استنباط است میزان بالای قطعات بلا استفاده (در قطع کوچک) است که تحت عنوان Segmental ها مطرح شده‌اند. از سویی دیگر ابزارهای تولید شده همواره در جهت استفاده در امور مربوط به کشاورزی، شکار و ... بکار می‌روند و قطعا ابزارهای موجود نیز از سوی ساکنین این منطقه چنین کاربردی داشته‌اند. در حالی که بر طبق فرضیات

با لبه ساده و بدنه صاف، کاسه‌های شکم دار دهانه بسته، کاسه‌های ساده دارای کف مقعر و نیز تغارهای با بدنه صاف و کف مسطح و نیز سبوه‌های شکم دار تقسیم بندی نمود. تولید سفال در این محوطه به لحاظ شکل و فرم کاملا جنبه محلی داشته و به سختی میتوان آنها را با فرم‌های سفالی مناطق دیگر ایران مقایسه کرد. ۱۰۰٪ سفال‌های تپه بوینو دست سازند و ۶۳٪ آنها دارای پخت ناکافی است. ۷۴٪ قطعات سفالی دارای تمپر آلی (گیاهی) بوده و مابقی تمپر مخلوط گیاهی- معدنی دارند. ۶۳٪ سفال‌ها دارای خمیره به رنگ قرمز آجری بوده و خمیره مابقی سفال‌ها سیاه و دود زده است. خمیره ۹۷٪ قطعات سفالی متخلخل و ۳٪ آنها متراکم می‌باشد. در این محوطه هیچ عنصر تزئینی بر روی قطعات سفالی شناسایی نشد و ۱۰۰٪ سفال‌ها فاقد تزئین می‌باشد. بر اساس مقایسه ویژگی‌های سفالی تپه بوینو با محوطه‌های حوزه رود ارس، بیشترین شباهت از نظر شکل، فرم، رنگ و تکنیک ساخت در سفال با شومو تپه وجود دارد. سفال‌های ساده دست ساز با پخت عمدتا ناقص و شاموت گیاهی و خمیره و پوشش به رنگ قرمز، نخودی و خاکستری. داده‌های دیگر بدست آمده همچون درفشهای استخوانی، ابزارها و ادوات سنگی فراوان و مشابه نیز بر این احتمال می‌افزاید. اگر چه فرم‌های سفالی تپه بوینو با فرم‌های سفالی ساده و بدون نقش حاجی فیروز و نیز لایه‌های منتسب به نوسنگی یانیق شباهتهایی دارد ولی با توجه به بعد مسافت و وجود کوه‌های صعب العبور

مطرح وعدم وجود مدارکی که بتواند حاکی از سکونت دائم ساکنین تپه بوینو باشد (همچون عدم بدست آمدن شواهد معماری قابل توجه و ...) ، نشان می دهد که در این مکان ابزارهای ابرسیدینی تولید و جهت استفاده به مکانی دیگر منتقل می شدند (نوری، سمیه : ۱۳۹۰).

توالی لایه نگاری کم عمق و کوتاه نشان میدهد که چرخه زندگی در تپه بوینو کوتاه بوده است. با توجه به عمق و حجم لایه های فرهنگی شناسایی شده، سفال، ابزار و ادوات سنگی، ابزار و اشیاء استخوانی، تدفین جنینی و بقایای معماری ابتدایی نشانگر حضور یک استقرار نوسنگی در منطقه می باشد که بصورت موقت یعنی در طی فصلهای خاصی در آنجا ساکن و سپس بدلیل شرایط موجود مانند اتمام منابع در دسترس یا از بین رفتن ضرورت تولید ابزار ؛ کمبود زمین مناسب برای کشاورزی یا طغیان رود ارس یا ... که برای حضور و استقرار بلندمدت مناسب نیست؛ مجبور به ترک محوطه شده اند (علیزاده سولا، محمد: ۱۳۹۰).



تپه نادری

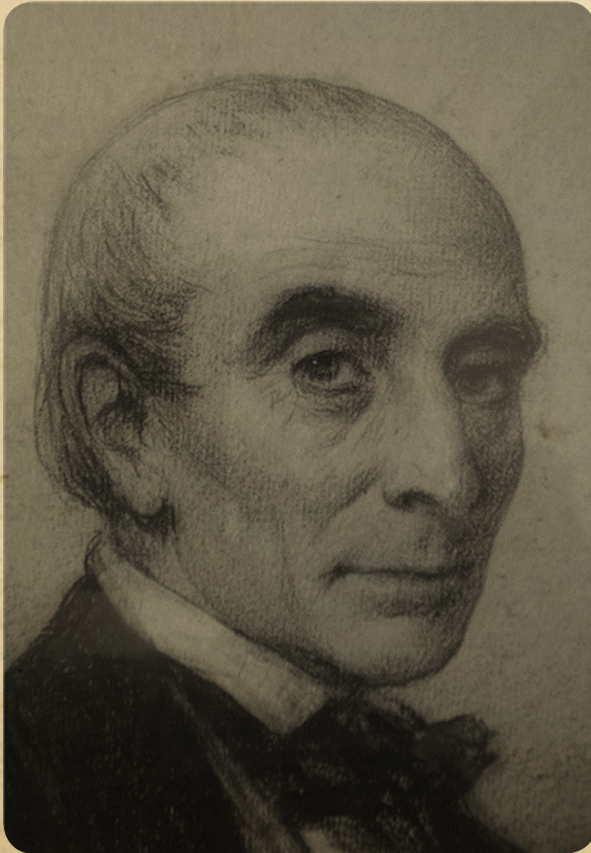
این محوطه در غربی ترین بخش دشت مغان و در پیوندگاه دو رود ارس و قره سو در شهر اصلاندوز استان اردبیل واقع شده است. این محوطه از جمله بزرگترین و مرتفع ترین محوطه های دشت مغان محسوب میشود که نخستین بار توسط مرحوم کامبخش فر شناسایی و دربر دارنده استقرارهای اشکانی و ساسانی و اسلامی معرفی گردید. همچنین در سال ۱۳۵۱ و در جریان بررسیهای باستان شناسی هیئت اداره کل باستان شناسی وقت ایران توسط کردوانی و حریرچیان شناسایی و بعنوان یکی از مهمترین تپه های هزاره اولی آذربایجان معرفی شد (محمدی؛ روح ا. : ۱۳۸۳). در سال ۱۳۸۲ میر روح ا. محمدی این محوطه را بصورت روشمند مورد بررسی باستان شناسی قرارداد. با مطالعه داده های سفالی حاصل از بررسی، چندین دوره استقرار از عصر مفرغ قدیم تا دوره ایلخانی در این محوطه شناسایی گردید که مطالعه نمونه های سفالی نشانگر تعلق درصد قابل توجهی از سفالها به عصر مفرغ قدیم میباشد. بر اساس گزارش مختصر منتشر شده از این بررسی سفالهای مفرغ قدیم نادر تپه شامل چهار طیف رنگی خاکستری روشن، خاکستری تیره، نارنجی و قهوه ای است که در میان این مجموعه سفالی میتوان نمونه های شاخص هر سه مرحله کورا- ارس را مشاهده نمود. مقایسه سفالهای کورا - ارس نادر تپه سی با نمونه های همزمان مناطق همجوار دشت مغان نشان میدهد که این محوطه در عصر مفرغ با مناطق غربی جمهوری آذربایجان، جنوب گرجستان و نخجوان بیشترین ارتباط و همانندی را دارد (محمدی؛ میر روح ا. : ۱۳۸۵).



تیترا

نویسنده

اگر بخواهیم نگاهی گذرا بر این موضوع داشته باشیم که چگونه این آثار گران مایه از موزه لوور سر در آورد و همچنین یغماگری فرانسوی ها در ایران را مرور کنیم، می توانیم بگوییم در اواسط قرن ۱۹ میلادی اولین کسانی که از طرف آکادمی هنرهای زیبای فرانسه برای مطالعه آثار باستانی وهنری به ایران سفر کردند، دو محقق به نام های پاسکال کوست و اوژن فلاندن بودند.



آن ها در اقامت دوساله خود در ایران آثار باستانی مناطق بسیاری در ایران از جمله فسا، پاسارگاد، نقش رستم و پرسپولیس را شناسایی و گزارش عملکردشان را به همراه عکس به ثبت رساندند.

طی نظراتی روایت شده که بعد از آن ها کار کاوشگری و حفاری در منطقه باستانی شوش به دست یک فرد انگلیسی به نام ویلیام کنت لافتوس افتاد که فعالیت های او در فاصله کمی از آرامگاه دانیال نبی ع (به علت تخریب اموال) با انزجار و نارضایتی مردم روبرو شد و ناتمام ماند.

فکر بردن گنجینه های باستانی شوش به پاریس حدود ۱۳۶ سال پیش توسط مارسل آگوست دیولافوا مطرح شد. مارسل مهندس راه و

ساختمان فرانسه و علاقمند به معماری و باستان شناسی بود. (Marcel August Dieulafoy 1843)



خانم دیولافوا

او برای اولین بار در سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۶۰ ه.ش) همراه با همسرش مادام ژان دیولافوا (ژان پاول هنریت راشل) به ایران آمد تا درباره تأثیر معماری شرق و غرب بر یکدیگر مطالعه کنند، این دو ابتدا به بررسی و شناخت منطقه پرداختند.

مادام دیولافوا مطالعات و مشاهدات اجتماعی و یافته های باستان شناسی همسرش را به صورت یادداشت های روزانه جمع آوری و در دو کتاب مجزا منتشر کرد.

آن ها هنگام مسافرت به خوزستان به تپه های بزرگ باستانی شوش پی بردند و در بازگشت به کشورشان از مدیر موزه های ملی فرانسه خواستند تا بودجه ای را برای کاوش این تپه ها در اختیارشان بگذارند که این خواسته پذیرفته شد و آن ها برای دومین بار در سال ۱۸۸۴ میلادی

به ایران آمدند و با پا در میانی دکتر طولوزان پزشک فرانسوی ناصرالدین شاه قاجار، اجازه کاوش در شوش (۱۸۸۴ م) را به دست آوردند.

طبق قراردادی که به امضا رسید قرار شد فلزات گران بهایی که کشف می شود متعلق به ایران باشد و سایر آثار نصف به نصف بین دو دولت تقسیم شوند.

کاوش های مارسل وژان از ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ میلادی به طول انجامید و طی این مدت آثار کاخ های هخامنشی هم کشف شد، از جمله این آثار، گاو سنگی بزرگی به وزن حدود ۱۲ تن که متعلق به سرستون یکی از کاخ ها بود. مادام ژان دیولافوا در خاطرات خود نوشته است: «دیروز گاو سنگی بزرگی را که در روزهای اخیر پیدا شده است را با نهایت تأسف تماشا می کردم در حدود ۱۲ هزار کیلو وزن دارد و تکان دادن چنین توده عظیمی غیرممکن است، بالاخره نتوانستم به خشم خود مسلط شوم پتکی به دست گرفتم و به جان حیوان سنگی افتادم. ضرباتی وحشیانه به او زد و سرستون در نتیجه ضربات پتک مثل میوه رسیده از هم شکافت، و به این ترتیب امکان حمل قطعات کوچک به فرانسه میسر شد.

کاوش ها که پایان یافت، نوبت به تقسیم یافته ها رسید، اما زوج فرانسوی مایل نبودند قرارداد خود را با دولت ایران محترم بشمارند و بدون در نظر گرفتن مفاد قرارداد وبا فریب مظفرالملک حاکم محلی دست نشانده ظل السلطان، فرزند ناصرالدین شاه، اشیا مکشوفه به صورت غیرقانونی از راه بندر بوشهر رهسپار پاریس (۱۸۸۶) و به موزه لوور منتقل شدند.

به سبک معماری قرون وسطایی (به نام شاتو) برای اسکان باستان شناسان و نگهداری موقت آثار بنا کرد که آسیب فراوانی به آثار تاریخی شوش زد، او در ساخت قلعه از آجرهای کتیبه دار بازمانده معابد و بناهای عیلامی و هخامنشی به عنوان مصالح ساختمانی استفاده کرد. در نقد کاوش های دموگران می توان گفت وی بیشتر دغدغه به دست آوردن اشیاء را داشته تا کاوش های علمی، وی اهمیتی به لایه نگاری نمی داد، به همین دلیل اطلاعات زیادی ناپود شد.

دموگران در بازگشت به فرانسه تعداد زیادی از اشیاء مکشوفه را با خود به کشورش برد، که می توان به مواردی از آن ها اشاره کرد: از جمله مهم ترین وگران بها ترین این آثار، تندیس بزرگ و برنزی ناپیراسو ملکه عیلام، با ۱۸۰۰ کیلوگرم وزن و بیش از ۳ هزار سال قدمت و همچنین منشور حمورابی (فرمانروای بابل) بزرگترین نشان تمدن میان رودان (بین النهرین)، را می توان نام برد.

طی مدت ۳۲ سال کاوش فرانسویان در شوش هزاران اثر تاریخی دیگر این شهر به فرانسه منتقل شد. کم کم کشف و خروج این آثار اعتراض روشنفکران آن دوره را برانگیخت و عاقبت در سال ۱۹۲۷ میلادی، امتیاز کاوش باستان شناسان فرانسوی توسط مجلس شورای ملی ایران لغو شد، در حالی که گنجینه شوش در پرتو خودبزرگی عصر قاجار سخاوتمندانه تقدیم فرانسویان و تالارهای لوور مملو از آثار کهن ایرانی شد، آثاری که موزه لوور بدون آن ها درجه ای از اهمیت و اعتبار را نخواهد داشت.

دربار قاجار که متوجه این عهد شکنی شده بودند رسماً به دولت فرانسه اعلام اعتراض نموده و دولت فرانسه از شاه ایران جهت رفع کدورت ها دعوت نمود تا از اشیاء مکشوفه شوش در پاریس بازدید نماید. ناصرالدین شاه در آخرین سفر خود به اروپا و بازدیدش از اشیاء، سرانجام از اعتراض خود صرف نظر نمود.

ورود آثار تاریخی ایران به پاریس انجمن علمی را مصمم ساخت که امتیاز انحصاری کاوش باستان شناسی در سراسر ایران را از دولت قاجار بگیرد. باکشته شدن ناصرالدین شاه و گلایه دیولافوا از بدی شرایطشان در ایران که خشم دولت ایران را در پی داشت، منجر به وقفه در کاوش گردید و پس از متوقف شدن حفاریات، مارسل و راشل مشغول به نوشتن گزارش کار خود شدند.

در سال ۱۸۹۵ به روزگار سلطنت مظفردالدین شاه، امتیاز تکمیلی دیگری مشابه به مفاد همان قرار داد سال ۱۸۸۴ به فرانسوی ها واگذار شد.

سرپرست کاوش های بعدی در شوش فردی به نام ژاک ژان ماری دموگران، زمین شناس، متخصص و مهندس معدن، باستان شناس و محقق فرانسوی دوران ما قبل از تاریخ، که مسئولیت هیأت علمی اعزامی فرانسه در ایران را به مدت پانزده سال برعهده داشت.

شوش مرکز استراتژیک هیأت اعزامی بود. دموگران برای این که هیأت فرانسوی را از آسیب و ناملایمات محیط که دیولافوا را آزار داده بود حفظ کند، بر روی تپه ای مشرف به آرامگاه دانیال نبی (ع) قلعه بزرگی

موزه لوور (به فرانسوی: Musée du Louvre)



بزرگترین موزه هنر و یک بنای تاریخی در مرکز شهر پاریس در کشور فرانسه می‌باشد. این موزه یکی از شاخصه‌های مشهور فرانسه و پاریس است که در سمت راست رودخانه سن، در منطقه ۱ شهر پاریس واقع گردیده. در این موزه بالغ بر ۳۸۰۰۰ اثر هنری مربوط به پیش از تاریخ تا سده ۲۱ میلادی در فضایی بالغ بر ۷۲۷۳۵ متر مربع جمع‌آوری و در

معرض دید قرار گرفته. در سال ۲۰۱۷ میلادی، موزه لوور، با ۱/۸ میلیون بازدید کننده، در فهرست پربازدیدترین موزه‌های جهان قرار گرفت.

موزه در حقیقت در کاخ لوور واقع شده که در اواخر سده ۱۲ تا اوایل ۱۳ میلادی، ساخت استحکامات آن به فرمان فیلیپ دوم آغاز گردید. امروزه نیز باقی‌مانده‌های این استحکامات و قلعه در زیرزمین موزه قابل مشاهده است. با توجه به گسترش شهر و همچنین همجواری این مکان، از اهمیت تدافعی قلعه لوور کاسته و در سال ۱۵۴۶ تبدیل به محل اقامت فرانسوای اول گردید که سرآغاز تغییر کاربری آن و تبدیل شدن به محل اقامت اصلی پادشاهان فرانسه بود. کاخ لوور فعلی، ساختمانی است که چندین مرتبه گسترش یافته. در سال ۱۶۸۲، لوئی چهاردهم، کاخ ورسای را مکان اصلی اقامت خود قرار داد و این مکان را تبدیل به محلی برای نمایش شکوه و عظمت سلطنتی نمود که از جمله آنها می‌توان به نمایش مجموعه عتیقه و باستانی یونان و روم اشاره داشت. از ۱۶۹۲ میلادی، این ساختمان تحت تملک فرهنگستان کتیبه‌شناسی و زبان‌های باستانی فرانسه و فرهنگستان سلطنتی نقاشی و مجسمه قرار گرفت که به عنوان نخستین مجموعه‌دار این سالن‌ها شناخته می‌گردند. فرهنگستان‌های موصوف بالغ بر ۱۰۰ سال است که هنوز در موزه باقی مانده‌اند. در طول دوران انقلاب فرانسه، مجلس مؤسسان تصمیم گرفت که لوور را به عنوان محلی برای نمایش شاهکارهای کشور مورد استفاده قرار دهد. آن جمله می‌توان به لوح حمورابی، تابلوی بانوی صخره‌ها و تابلوی مونالیزا اثر لئوناردو داوینچی اشاره کرد.

ساختمان این موزه قبل از انقلاب کبیر فرانسه یکی از کاخ‌های سلطنتی بود، که در آن آثار بارزش هنری نگهداری می‌شد (به عنوان موزه سلطنتی) پس از انقلاب کبیر، در سال ۱۷۸۹ موزه و آثار موجود به مردم فرانسه اهدا شد و در سال ۱۷۹۳ تبدیل به موزه ملی فرانسه شد.

آثار سرشناسی ایران باستان در موزه لوور

* سنگ نگاره یادبود اونتاش ناپیریشا

سنگ نگاره یادبود اونتاش ناپیریشا از آثار باستانی دوره عیلامی است که در چغازنبیل شوش استان خوزستان یافت شده است.

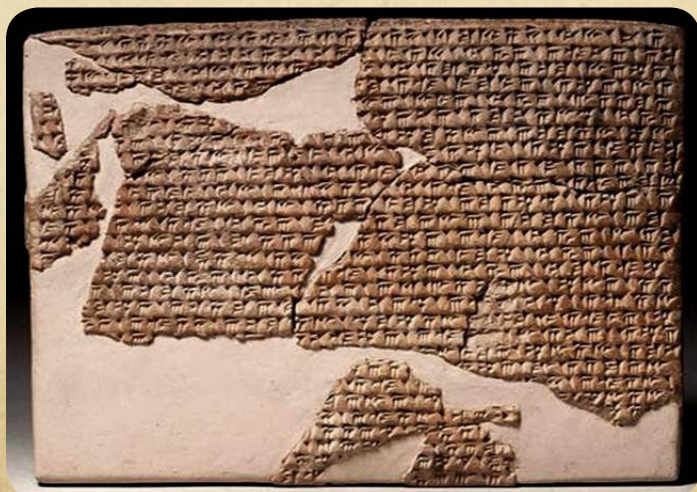


* تخته بازی ۵۸ خانه

تخته بازی ۵۸ خانه از آثار باستانی عصر آهن است که در تپه سیلک کاشان توسط رومن گیرشمن در سال ۱۹۳۷ (میلادی) کشف گردید.



* کتیبه داریوش بزرگ در کاخ آپادانای شوش



کتیبه داریوش بزرگ در کاخ آپادانای شوش، یکی از الواح ارزشمندی است که متعلق به دوران هخامنشیان می باشد. این لوح در یکی از دروازه های کاخ آپادانای شوش کشف شده است



مصاحبه با دکتر حسن زاده

مژگان اکبری

۱. از دوران کودکی خود بگویید؛

متولد کجا هستید؟ دوران کودکی را چگونه سپری کرده اید؟

دوران دبستان، راهنمایی و دبیرستان را کجا گذرانده اید؟

در دوران تحصیل جز محصلین آرام بودید یا شلوغ؟

متولد اردبیل هستم. تا پایان دوره دبیرستان در اردبیل بوده ام. به گفته اطرافیان فرد آرامی نبوده ام. البته خود من به این گفته اعتقادی ندارم ولی شواهد اینگونه نشان میدهد که فرد آرامی نبوده ام. شخصی که صرفاً فقط درس بخوانم نبوده ام. تقریباً از ۵ سالگی در بازار و جاهای دیگر مشغول کار بودم فردی بوده ام که برای کار کردن با شخصی رودربایستی نداشتم. در بازار در بخش های مختلف مشغول کار بوده ام و به این امر افتخار می کنم. شخصی که صرفاً وقت خویش را برای درس بگذارد شخص خوبی برای زندگی نیست و به عبارتی آدم درس می شود. انسان در یک محیط در ارتباط با یکسری افراد خاص باشد صرفاً، فرد جامع و کاملی نمی گردد. لذا بنده اینچنین بوده ام. استعداد خوبی داشتم، البته گفتن این جمله توسط خودم جالب نیست ولی هر گاه می خواستم درس بخوانم به نحو احسن انجام میدادم. به عنوان مثال در یک مقطعی هدف فقط قبول شدن بود تا بتوانم در بیرون به کارهای خویش مشغول شوم اما اگر تصمیم می گرفتم نمره ای را بگیرم همان را می گرفتم. مدتی نیز با تیم شهرداری در اردبیل که بهترین تیم فوتبال استان است در تیم جوانانش بازی کرده ام.

به شدت به این موضوع باور دارم که ماها قرار نیست نخبه باشیم، قرار است ما خوب زندگی کنیم. در بسیاری از مواقع این جمله را عنوان کردم که افراد بسیاری، ثروتمند و باهوش هستند ولی از زندگی هیچ لذتی نمیبرند. بسیاری از افراد را می توان دید که کاری در سطح پایین انجام میدهند اما از کار خویش لذت می برند و زندگی می کنند. من بشدت براین باور هستم که اینها زندگی را فهمیده اند و خود سعی کرده ام اینگونه باشم.

۲. چرا این رشته را انتخاب نموده اید؟ انتخاب خودتان بوده یا دست سرنوشت؟ اگر این رشته را نمیخواندید دوست داشتید چه رشته ای را بخوانید؟ یا عبارت دیگر اگر به گذشته برمیگشتید باز هم این رشته را انتخاب مینمودید؟

بخواهم بدون تعارف بگم سهم سرنوشت بیشتر از سهم انتخاب بود. اگر چه انتخاب هم بود اما سهم آن کمتر بود اگر صادقانه قضاوت بکنم در انتخاب این مسیر خیلی مختار بودم.

اگر این رشته را انتخاب نمی کردین چه رشته ای را انتخاب می کردید؟
با عقل الان یا با عقل اون موقع؟

هر دو

با عقل الانم باز هم همین رشته را انتخاب میکردم ولی با عقل اون موقع ممکن بود رشته های فنی مهندسی را انتخاب کنم. اقتصاد فوق العاده جذابه و به انسان نحوه فکر کردن و نحوه خوب زندگی کردن و عذاب نکشیدن رو یاد میده.

۳. مقاطع تحصیلی دانشگاهی را در کدام دانشگاه ها گذرانده اید؟

لیسانس رو در دانشگاه ارومیه بودم و ترم ۵ لیسانس بودم که از فوق لیسانس قبول شدم، طبیعی است که در ترم ۵ واحدهای مقطع لیسانس تموم نمی شد و ناچار انصراف دادم بعد دوباره ترم ۷ شرکت کردم و از دانشگاه تهران قبول شدم در دکتری هم رتبه ی ۱ دکتری در دانشگاه تربیت مدرس بودم. موقعی که به من اطلاع دادن که رتبه اول شدم، گفتم من را سر کار نزارین و برید ولی بعد دیدم که شوخی نیست و واقعا رتبه اول شدم

۴. اوقات فراغت خود را معمولا چگونه می گذرانید؟ در اوقات فراغت اغلب چه نوع کتاب هایی را مطالعه میکنید؟

یه دختر کوچولو دارم که کیف می کنم. معمولا کتاب میخوانم.

۵. کتاب مورد علاقه شما کدام است و چه نوع کتابهایی میخوانید؟

کتاب‌های اجتماعی رفتاری بجز تخصصی‌ها که آنها جزو کارم محسوب میشوند. خارج از آنها به کتاب‌های اجتماعی رفتاری و خانوادگی علاقه زیادی دارم. بعضی وقت‌ها میرم بیرون قدم میزنم پارک میرم و یه وقت با دوستم میرم یه بحث‌هایی بکنیم و یا با دخترم میریم کیف بکنیم.

کتاب خاصی که دوست دارید در طول عمرتان چیست؟

کتاب بیشعوری از خاویر کونت. این کتاب را که اول شروع کردم به خواندن گفتم نگاهی بندازم ببینم چیست و ساعت پنج عصر بود که کتاب را شروع کردم بعد یهو دیدم که ساعت سه نصف شب است و کتاب را تمام کرده‌ام. کتاب رمان الان مدتی است که نمی‌توانم بخوانم قبلاً یکی از علاقمندی‌هایم رمان بود. رمان‌های آقای نادری از رمان‌های ایرانی فوق‌العاده بودند.

۶. شیرین‌ترین و تلخ‌ترین خاطره مدیریتی شما چیست؟

این سوال را از کسانی می‌پرسند که مدت زیادی مدیر هستند و ما در اون حد نیستیم. البته قبل از اینکه اینجا باشم دوره‌ی نسبتاً طولانی مدیر بوده‌ام ولی در دانشگاه مدت کوتاهی مدیر بوده‌ام.

حالا در این مدت کوتاه مدیریتتون

خاطره همیشه گفتم، اون لحضاتی که خوشحال تر و ناراحت تر بوده‌ام بیشتر در ذهنم هست تا خاطره. مثلاً خوشحال‌ترین زمان من این است که دانشجویان، هیات علمی یا کارمندانم چیزی از من خواسته و توانستم اجراش کنم. یکی از لذت‌بخش‌ترین بخش‌ها، لحظه‌ای است که همکارم ارتقا پیدا می‌کنه یا دانشجو رتبه میاره یا شغل پیدا می‌کنه یا ازدواج می‌کنه این‌ها بهترین لحظات من هستند.

بدترینش هم دقیقاً عکس این مساله است. زمانی که برای کسی اتفاق بدی می‌افتد یا خبر بدی به من می‌دهند. شکر خدا لحظات بد را خیلی تجربه نکرده‌ام.

۷. آیا فرزندان خود را هنگام انتخاب رشته جهت ورود به دانشگاه تشویق به تحصیل در رشته خودتان

(مدیریت) می کنید؟

من میگویم اقتصاد ولی هیچ گونه تحمیلی نمیکنم. کاملاً دستش را باز میگذارم. اگر دلش خواست درباره رشته من باندن فقط راهنمایی میکنم اما به شدت به آزادی افراد باور دارم.

۸. به عنوان یک فرد مدیریتی جایگاه رشته باستان شناسی را در دانشگاه چگونه میبینید و آیا توصیه

ای برای پیشرفت آن دارید؟

رشته باستان شناسی از رشته های قدیمی دانشکده انسانی است که در هر سه مقطع دانشجو دارد. در رشته های کمی هر سه مقطع را داریم و از این بابت رشته باستان شناسی جز ستونهای اصلی دانشکده است. توصیه ام این است که دورانی که مدرک بگیریم و کار کنیم به سر رسیده. دانشجو باید این حقیقت را باور کند که باید مهارت یاد بگیرد تا کار کند. دنبال نمره نباشد، دنبال یاد گرفتن باشد. یاد گرفتن انسان را زنده نگه میدارد. دانشجویها الان انگیزه دارن، انرژی دارن توصیه ام اینه که یا به کاری رو نکنید یا اگه که می کنید خوب انجام بدید و تا آخرش برید. گاهی وقتا میبینم دانشجویی به رشته ای مثل باستان شناسی فارغ التحصیل میشود در مورد باستان شناسی با به رشته ی دیگری حرف میزند ولی تا شما نپرسی رشتت چیه اصلاً نمیفهمی. اصلاً تخصصی صحبت نمیکنه چون اصلاً چیز خاصی یاد نگرفته این منو اذیت میکنه. به هر حال باورم اینه حتی اگر جامعه رو هم از این بابت مشکل دار ببینیم دلیل نمیشه ما هم مسیر رو اشتباه بریم. در حد توان مسیر شخصیمونو باید درست بریم.

۹. یکی از مطالبات دانشجویان باستان شناسی برگزاری برنامه هایی برای بازدید از اماکن تاریخی

و باستانی میباشد اما متأسفانه هیچگاه این بازدیدها طبق سر فصلهای درسی برگزار نشده شما چه راهکاری برای حل این موضوع دارید؟

اگر در سر فصل درسی بازدید نوشته شده برای سر فصل اون درس استاد به مدیر گروه می دهد و درخواست بازدید می کند و بعد از تصویب در شورای دانشکده بازدید میروند. تا به امروز هیچ درخواستی نیست که اومده باشد و دانشکده رد کرده باشد. به شرط اینکه عنوان بازدید در سرفصل درسی اون درس اومده باشد.

خیلی زمان برهستش؟

خیلی زمان بر نیست. هر دو هفته یکبار جلسه شورای دانشکده رو داریم و دقیقا دو هفته یکبار یا هر هفته گروه جلسه دارد و بنابر این بیشترین زمانی که این کار باید بکشه حداکثر ۲۰ روز باید باشد. از روزی که مدیر گروه اقدام کرده برای اینکار تا روزی که نتیجه حاصل شده اگر بیشتر از ۱۵ روز طول کشید حتما به من اطلاع دهید. بنده شخصا هماهنگی میکنم. البته تعداد زیادی درخواست برای بازدید های خارج از سر فصل از ما شده که دست ما در اون مورد بسته است. قبلا تشکل ها اینکار رو میکردند. انجمن های تشکلی نه علمی، انجمن اسلامی یا عرض کنم بسیج و ... این کار بازدید خارج از سر فصل رو اونها انجام می دادند.

۱۰. توصیه های شما برای پیشرفت فارغ التحصیلان رشته های مختلف دانشکده چیست؟

یه فاش انجمن های علمی است. انجمن علمی ارتباطات شما رو چقدر بیشتر کرده با مدیران و بخش های مختلف و حقیقتا خودتون رو مقایسه کنید با یک سال پیش و ببینید چقدر تاثیر گذاشته است. یه مسیرش این است که با سازمان ها و نهادهای مختلف ارتباط برقرار کنید. من خودم خاطرم هست که یه وقتی کاری رو میخواستم شروع کنم بدون اینکه کسی همراه من باشد. رفتم و فردی آن کار رو انجام میده گفتم که اما من اینکارو رو مفت و مجانی انجام میدهم شما کمک کن. حتی شک میکرد چرا میخواد مفت و مجانی کار کنه. گفتم میخوام یاد بگیریم از کار شما. بعد از یک ماه به طرف گفتم که دست شما درد نکنه و میخوام برم گفت آقا کجا؟ من فلان قدر به شما میدم شما اینجا بمون و کار کن. آدم باید خودشو ثابت کنه. اما الان ویژگی های خیلی ها اینه که خیلی طلبکارن و اینجوری به جایی نمیرسیم. حتی الان سعی میکنم با سازمان های مرتبط هر رشته ای به هر طریقی میتوانم ارتباط برقرار کنم. من در دوره ی دانشجویی در دوره لیسانس و فوق لیسانس خیلی از این کار ها میکردم. باید یه چیزی از خودمون نشون بدیم که طرف میل داشته باشد که با ما کار کند.

۱۱. از مقاله یا پروژه های جدیدی که در دست دارید برایمان بگوئید؟

اخیرا یکسالیه میشه که روی مقاله صرفا علمی کار نکرده ام و بیشتر روی مقاله های کاربردی کار میکنم. مقاله ای که بتواند در سیاست گذاریهای ما به ما کمک کند. با سازمان هایی که سیاست

گذاران اقتصادی اند ارتباط دارم و پروژه های کاربردی برایشان انجام میدم تا سیاست گذاری های درستی انجام دهند. احساس میکنم وظیفه ی هر استاد هیئت علمی این است که برای جامعه هر کاری از دستش بر می آید انجام دهد.

۱۱. برای آینده چه برنامه هایی دارید؟

برای آینده این قسمت رو نمیخوام منعکس کنید ولی میگم. برای آینده تمایل شخصی من یک زندگی آزاد و علمی است که خیلی کار اجرایی را به سمتش نروم خیلی آدم اجرایی نیستم ولی احساس میکنم وجودم به نفع جامعه است با تمام توانم میایم جلو. بنابراین برای آینده کسانی بهتر از ماها باشند تا سکان دانشکده را در دست بگیرند و ما هم علاقه مندی های خود را پیگیری کنیم. بنده بشدت از مطالعه و خواندن لذت میبرم بر خلاف خیلی از دانشجویان که میگویند ما حاضریم زمین بکنیم ولی مطالعه نکنیم. انسان باید از هر کارش لذت ببرد وگرنه فایده ندارد. یا من درس نمی خوانم یا اگر میخوانم آن را مرد مردانه انجام دهم و با کیفیت باشد.

۱۲. نظر شما در مورد انجمن های علمی و فعالیت دانشجویان در این انجمن ها چیست؟

انجمن ها ظرفیت و پتانسیل بالایی دارند، بعضی اوقات میگفتم اینها چیکار میخوان بکنن بعد میدیدم عجب کارهایی میکنند. یه کارایی میکردند که صادقانه بگم بهشون میگفتم حتی من هم نمی تونستم اینکارو انجام بدم ولی شما انجام دادید. من باور دارم انجمن ها توانایی های بالایی دارند اما سازماندهی میخوان کاری که امسال انجام دادیم شما دست به دست هم دادین یه برنامه ی سالانه داشتن برای ۹۷ که فکر کنم همه انجمن ها در جریان بودن یه کار خوبی برای نظم بخشیدن به برنامه انجمنها. لازمه که یک تیم مستقل در سطح دانشگاه فعالیت های انجمن هارو سروسامان بده. قشنگ بهشون توجه کنه و با سایر فعالیت ها در دانشگاه همسو کنه. یعنی انجمن تعریفش اینه که با کمترین هزینه بیشترین کارایی رو داشته باشند. مثلا کارهایی رو که شما انجام دادین با کمترین هزینه بود هر بخش دیگری که میخواست این کار رو انجام بده خیلی بیشتر هزینه بر میداشت.

یا بهتر بگوییم عملکرد انجمنها و فعالیتشان بخصوص انجمن علمی باستان شناسی را چگونه ارزیابی میکنید؟ نمره شما به عنوان استاد به آنها چند است؟

سال های قبل چیزی که از انجمن باستان شناسی در ذهن داشتم بیشتر یک مجله بود که خیلی خوب بود و جز برجسته ترین کار های انتشاراتی بود. از انجمن علمی باستان شناسی انتظار بیشتری دارم که انصافا هم انجمن های سال گذشته خیلی خوب کار کردند. و خاطره دیگری که از انجمن شما در ذهنم هست برنامه قبل از عید بود که شما تکم چی آورده بودید و او از من پول خواست و من چیزی جز کارت بانکی همراهم نداشتم و به دکتر حاجی زاده گفتم شما به چیزی بده و او هم گفت من کارت همراهه!!!

نمره شما به انجمن ما چیست؟

از دانشجو های من بپرسید من یخورده نمره کم میدم . من به شما ۱۷ میدم که در بین نمره های من نمره بالایی است.

۱۳. با دانشجویان رشته باستان شناسی چه صحبت هایی دارید و پیشنهادهای شما برای پیشرفت دانشجویان این رشته چیست؟

احساس میکنم این سوال رو خود اساتیدتون بهتر می تونن پاسخ بدهند و فکر میکنم دیگران بهتر میتونن به این سوال پاسخ دهند.

۱۴. کلام آخرتان با خوانندگان این نشریه و دانشجویان چیست؟

تا جایی که میتوانید توانایی های خود را به ما تحمیل کنید از ما بخواهید که همراه شما باشیم. مقاومت شما بیشتر از ما باشد. اعضای انجمن این حرف رو به شما میگم. طرف صحبتیم اعضای انجمن ها هستند. برای تمامی دانشجویان این توصیه رو دارم که ناامیدی رو نگذارید وارد زندگیتون بشه. مطمئن باشید در سخت ترین شرایط هم جای امید هست، توکل به خدا ولی توکل بدون تلاش بی مفهوم است. توکل بدون تلاش اذیت کننده است. این دوتا باهم هستند، تلاش کنید و توکل که همیشه به موفقیت خواهید رسید. درستون رو بخونید و امتحانتون رو بدید. خدایا خودت هرچی صلاح میدونی ...

معرفی کتاب

ناشر:	سبحان نور، سازمان میراث فرهنگی کشور
تاریخ نشر:	پدیدآوران:
۸۵/۰۵/۰۹	نویسنده: عزت‌الله نگهبان
نوبت چاپ:	موضوع:
۱	ایران - باستانشناسی - تاریخ ایران - آثار تاریخی
محل نشر:	تعداد صفحه:
تهران	۵۳۴
شمارگان:	قطع:
۳۰۰۰	رحلی
رده دیوبی:	نوع جلد:
۹۵۵,۰۰۴۳	شومیز
زبان کتاب:	
فارسی	

معرفی کوتاه

سرگذشت و تاریخچه‌ی باستان‌شناسی ایران در نیم‌سده‌ی گذشته، در این کتاب از زبان یکی از نخستین باستان‌شناسان ایرانی - که به پدر باستان‌شناسی ایران «معروف است - بازگو می‌شود. دکتر عزت‌الله نگهبان، در این کتاب گزارشی از فعالیت‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در ایران، که خود در بیش‌تر آن‌ها شرکت داشته، به دست می‌دهد. کتاب حاضر به دو قسمت کلی تقسیم می‌شود. قسمت اول مربوط به آغاز این فعالیت‌هاست که پیش از نویسنده صورت گرفته، و قسمت دوم دورانی را شامل می‌شود که نویسنده با تشکیلات باستان‌شناسی کشور شروع به همکاری کرده است. (از سال ۱۳۳۹). نویسنده در بخش اول از منابعی چون روایات، گفتارها، یادداشت‌ها و نوشته‌های دوستان و همکارانش بهره برده و در بخش دوم مهم‌ترین مشاهدات خود در سال‌های فعالیت را به صورت بیان خاطرات یا سفرنامه‌نویسی ذکر کرده است. از برجسته‌ترین مکان‌های باستانی که نویسنده گزارشی از حفاری یا بازدیدهای خود در آن‌جا به دست می‌دهد می‌توان به تپه‌ی مارلیک، پبله قلعه، تپه‌ی معصوم‌زاده، تپه‌ی حسنلو، تپه‌ی هگمتانه و نظایر آن اشاره کرده

که از این میان گزارش روزهای حفاری در مارلیک مفصل تر از سایر موارد است. در بخش‌های پایانی کتاب فهرست‌های کلی از آثار و بقایای تمدن‌هایی چون تمدن سیلک، تمدن چشمه‌علی، تمدن حصار، تمدن ایلام و تمدن‌های پیش از تاریخ (هزاره‌های چهارم تا اول ق. م) و همچنین فهرست کلی از فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران ذکر شده است. کتاب با جداولی در ارتباط با داده‌های باستان‌شناسی ایران و مقایسه با سایر مناطق جهان به پایان می‌رسد.

گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، دکتر عزت‌الله نگهبان، در این کتاب گزارشی از فعالیت‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در ایران که خود در بیشتر آن‌ها شرکت داشته، ارائه می‌دهد.

این کتاب به دو بخش کلی تقسیم می‌شود. بخش نخست مربوط به آغاز این فعالیت‌هاست که پیش از نویسنده صورت گرفته و قسمت دوم دورانی را شامل می‌شود که نویسنده با تشکیلات باستان‌شناسی کشور شروع به همکاری کرده است. (از سال ۱۳۳۹)

نویسنده در بخش نخست از منابعی چون روایات، گفتارها، یادداشت‌ها و نوشته‌های دوستان و همکارانش بهره برده و در بخش دوم مهمترین مشاهدات خود در سال‌های فعالیت را به صورت بیان خاطرات یا سفرنامه‌نویسی ذکر کرده است.

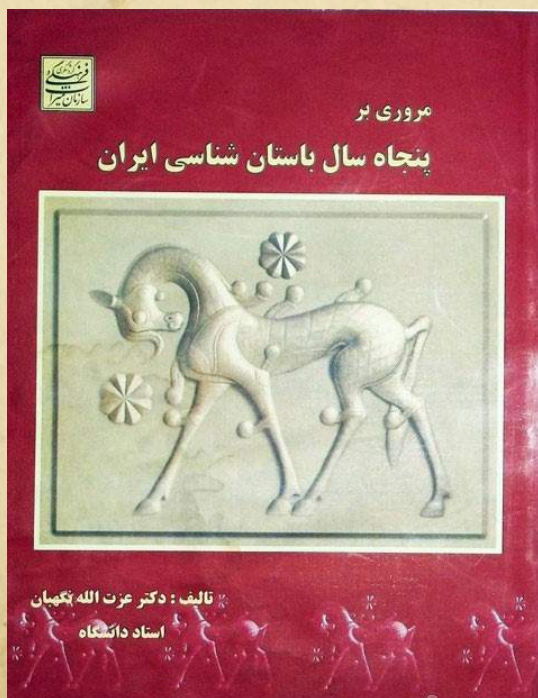
از برجسته‌ترین مکان‌های باستانی که نویسنده گزارشی از حفاری یا بازدیدهای خود در آنجا به دست می‌دهد می‌توان به تپه مارلیک، پبله قلعه، تپه معصوم‌زاده، تپه حسنلو، تپه هگمتانه و نظایر آن اشاره کرده که از این میان گزارش روزهای حفاری در مارلیک مفصل تر از سایر موارد است.

در بخش‌های پایانی کتاب فهرست‌های کلی از آثار و بقایای تمدن‌هایی چون تمدن سیلک، تمدن چشمه‌علی، تمدن حصار، تمدن ایلام و تمدن‌های پیش از تاریخ (هزاره‌های چهارم تا اول پیش از میلاد) و همچنین فهرست کلی از فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران ذکر شده است. کتاب با جداولی در ارتباط با داده‌های باستان‌شناسی ایران و مقایسه با سایر مناطق جهان به پایان می‌رسد.

نگهبان به روایتی در مهرماه ۱۳۰۵ در اهواز به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۳۸ در رشته باستان‌شناسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و سال بعد رهسپار موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو شد و مطالعات خود را آغاز کرد. عنوان پایان نامه او «سفال نخودی رنگ خوزستان» بود. سپس به ایران بازگشت و در اندک زمانی توانست تحولی بنیادی در آموزش و پژوهش باستان‌شناسی کشور پدید آورد.

عزت‌الله نگهبان به عنوان پدر باستان‌شناسی نوین ایران شناخته می‌شود. وی آموزش باستان‌شناسی عملی را در نظام آموزشی ایران بنیان نهاد. نگهبان با تأسیس موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و مبارزه قاطع با قاچاق آثار باستانی نقش بسزایی در پیشرفت باستان‌شناسی ایران داشت. حفاری نگهبان در تپه مارلیک نخستین حفاری در تاریخ باستان‌شناسی است که تمام اعضای هیأت کاشگران آن را، باستان‌شناسان ایرانی تشکیل دادند.

عزت‌الله نگهبان در بهمن‌ماه ۱۳۷۸ پس از ۵۰ سال خدمت به فرهنگ ایران زمین چشم از جهان فرو بست.







SIA



TARTARY

OR PART OF THE

EMPIRE OF

GREAT CANTON

INDIA

WITHIN GANGES

NOW INDOSTAN



The title of this map is not to be taken as implying that the whole of the continent of Asia is included in the empire of the Great Tartars. It is only a part of the continent, and the title is given to it in consequence of its being the seat of the empire of the Great Tartars.

INDIA

INDIAN SEA